

اصلاح ساختار نظام مالی ، نیاز امروز

نظام بانکی ایران امروزه با چالش جدیدی مواجه گردیده است و آن مدیریت دارایی ها و بدهی ها با توجه به رویدادهایی که در وضعیت منابع و مصارف بانک های بزرگ دولتی ، خصوصی شده و برخی از بانک های خصوصی بزرگ افتاده است.

مدیریت دارایی و بدهی ها یا بهتر بگوییم مدیریت نقدینگی، یک بخش کامل از مدیریت بانک ها بوده و در نتیجه نیاز به برخورداری از یک فرایند ساختاریافته و سیستماتیک برای مدیریت ترازنامه بانک اساسی و ضروری می باشد.

در سه سال گذشته با تغییرات شکل گرفته در بسته های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی که به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است و با خود کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی را به همراه داشته و متعاقب آن ظاهراً کاهش نرخ سود علی الحساب پرداختی به سپرده گذاران و به علت رقابت ناسالم برخی از بانک ها و موسسات پولی و اعتباری، بانک های پایبند به بسته های سیاستی و نظارتی با نقل و انتقال سپرده های خود به بانک ها و موسسات پولی و اعتباری متخلف از نرخ های اعلامی مواجه شدند، به طوری که حساب اکثر این بانک ها نزد بانک مرکزی بدهکار گردید و مشکلات مالی فراوانی برای آنها بوجود آورد. البته بانک مرکزی بعد از مدت ها بخشی از این بدهی ها را به عنوان خط اعتباری برای آنها لحاظ نمود و قرار شد آنها به طور قسطی بازپرداخت نمایند. این اقدام برای این بانک ها یک مسکن محسوب می شود و مشکل امروز را به فردا منتقل نموده و لذا آنان همچنان با مشکل نقدینگی مواجه خواهند بود. این موضوع سبب گردیده است به منظور حفظ سپرده گذاران، متعاقباً مجدداً بانک ها به برخی از سپرده گذاران خود سود علی الحساب بیشتری را پرداخت نمایند. در حال حاضر بخش بزرگی از سپرده های بانک ها کوتاه مدت می باشد، اما انتظارات سیاست گذاران کلان کشور سبب شده است این سپرده ها بعد از کسر سپرده قانونی و نگهداری درصد کمی (حدود 2 تا 3 درصد) به عنوان نقدینگی به منظور پاسخگویی برای بازپرداخت سپرده ها، درصد کمتری صرف پرداخت تسهیلات سرمایه در گردش و بخش مهمی صرف پرداخت سرمایه گذاری ثابت بنگاه های اقتصادی بخصوص در بخش تولید گردد که دارای دوره بازپرداخت بلند مدت می باشد و این مسئله سبب گردیده است که منابع بانک ها از گردش روانی برخوردار نباشد و هماهنگی لازم بین سررسید سپرده ها و بازپرداخت تسهیلات وجود نداشته باشد و این موضوع با توجه به سیاست های پولی و بانکی ابلاغی فشار ناخواسته ای را به نظام بانکی و یا مالی وارد نموده است.

بدهی دولت به نظام بانکی نیز یکی دیگر از چالش های نظام مالی است و این موضوع باعث شده است که بخش مهمی از منابع بانک ها بدون گردش بماند و امکان استفاده مجدد از آن فراهم نگردد. عمده این منابع نیز از محل سپرده های قدیمی بانک ها که با نرخ سود علی الحساب بالاتری تجهیز گردیده است، می باشد.

در سال های گذشته، کشور با تورم، رکود تورمی و سپس رکود مواجه گردید و این شرایط سبب شد تا بخش قابل توجهی از تسهیلات اعطایی بانک ها معوق شوند و عملاً از چرخه فعالیت خارج شوند. البته قوانین وضع شده برای حمایت از اینگونه صنایع ، دیگران را نیز به استفاده از مساعدت های پیش بینی شده در قوانین ترغیب نمود و عملاً حتی برخی از مشتریان خوش حساب تبدیل به مشتریان بد حساب شدند. مجدداً بخش مهم دیگری از منابع بانک ها یا بلوکه و یا آنکه از کوتاه مدت به بلند مدت تبدیل شد و در نتیجه سبب کند شدن چرخه حرکت منابع بانکی شد. و یا آنکه بخش مهمی از مطالبات بانک ها بعد از اقدامات قانونی منجر به تملیک اموال غیر منقولی گردید که بانک ها برای فروش آن با شرایط تملیکی، مشتری ندارند و در نتیجه این اموال نیز بخش مهم دیگری از منابع بانک ها را کد کرده است. تغییرات نرخ ارز و زبانی که از این بابت به بانک ها منتقل شد و حجم زیادی مطالبات معوقی را که ایجاد کرد، از دیگر مشکلات نظام مالی می باشد.

ضعف قوانین در حمایت از بانک‌ها، نیز از فاکتورهای دیگری است که سبب شده برخی از مشتریان از این ضعف قوانین استفاده و از ایفای تعهدات خود به بانک‌ها خودداری کنند. که از جمله می‌توان به درخواست ورشکستگی‌های نادرست و تأیید برخی از محاکم، علی‌رغم مستندات بانک‌ها در این خصوص مبنی بر غیر واقعی بودن آن اشاره کرد. مجموعه عوامل فوق ریسک نقدینگی بانک‌ها را به شدت بالا برده است و در نتیجه بانک‌ها نیاز به یک مدیریت قوی دارایی‌ها و بدهی‌ها یا همان نقدینگی را دارند که در این وضعیت بتوانند بانک خود را ضمن سرپا نگهداشتن به حرکت وادارند.

در این خصوص به موارد ذیل باید توجه شود:

وضعیت سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانک‌ها از نظر مبالغ، سررسید و نرخ‌های سود علی‌الحساب تعهدی آنها هزینه یا قیمت تمام شده منابع بانک‌ها در قالب منابع مالکیتی و منابع وکالتی (سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار)، واقعیات مطالبات معوق بانک‌ها و نقشی که در کاهش سودآوری بانک‌ها به همراه دارند. نرخ کارمزد خدمات بانکی که اغلب کمتر از قیمت تمام شده آنها می‌باشد. بدهی‌های دولت به نظام بانکی و تسریع برای انتشار اوراق مشارکت و یا اوراق بدهی برای ایفای تعهدات به نظام بانکی و پیمانکاران طرف قرارداد گذشته دولت.

با توجه به رفع تحریم‌های بین‌المللی، توجه به افزایش سرمایه بانک‌ها برای تطبیق آن‌ها با شرایط بین‌المللی برای ارتقای جایگاه بین‌المللی.

کشور نیاز به یک بازار مالی یا سرمایه‌دارای عمق می‌باشد که بنگاه‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها نیز در زمان‌های نیاز به نقدینگی بتوانند نیازهای کوتاه مدت خود را از این بازار تأمین نمایند از جمله فروش دارایی‌های نقدشونده خود از قبیل اوراق مشارکت، سهام و یا اوراق بدهی.

بانک مرکزی با توجه به شرایط بانک‌های بزرگ و بدهی دولت و حتی خود بانک مرکزی بابت تفاوت‌های نرخ ارز، تا سقف این بدهی‌ها که قبلاً از منابع بانک‌ها کسر گردیده است، خط اعتباری بانرخ‌های سود کم لحاظ نماید. به منظور کنترل ریسک نیاز به یک نظام جامع مالی در کشوری باشد که مشتریان بانک‌ها در حد ظرفیت و فعالیت خود بتوانند از منابع نسبتاً ارزان قیمت بانک‌ها استفاده نمایند و بانک‌ها ملزم به رعایت اصولی در این زمینه باشند.

در کشور شکل‌گیری یک نظام رتبه‌بندی برای بانک‌ها و سایر بنگاه‌های اقتصادی لازم و ضروری می‌باشد که با توجه به شرایط نظام بانکداری بدون ربا که تفاوت‌های زیادی با نظام بانکی بین‌المللی دارد، اعتبارسنجی لازم را انجام دهد و شرکت‌ها را در گروه‌های تعریف شده بین‌المللی تعریف نماید. بدیهی است یکی از فاکتورهای تعیین نرخ سود تسهیلات اعطایی باید همین درجه رتبه‌بندی مشتریان و سپس سایر موارد از جمله مدت و مثلاً وثایق قابل اخذ باشد.

همانند گذشته برای اعطای تسهیلات با توجه به شرایط گفته شده محدود‌ای برای نرخ سود تعیین شود مثلاً بین 18 تا 24 درصد و درمورد سپرده‌ها نیز بانک‌ها مجاز باشند تا میزان نرخ حق الوکاله خود، سود علی‌الحساب بیشتری به سپرده‌گذاران خود بپردازند.

نظارت بانک مرکزی درمورد همه موسسات پولی و بانکی نهادینه شود و با شدت بیشتری صورت پذیرد و قبلاً مجازات‌های تعریف شده و طبقه‌بندی شده‌ای در این خصوص تهیه و تدوین و به تصویب برسد و در صورت عدم رعایت آن، تخلف توسط یک کمیته خاص مورد بررسی واقع و مجازات‌ها به مورد اجراء گذاشته شود و انجام این اقدام از عهده یک فرد خارج باشد که به اعتبار بانک‌ها خدشه‌ای وارد نگردد. از جمله تعطیلی و ورشکستگی بانک‌ها و موسسات پولی و اعتباری. ابزارهای جدید اسلامی تعریف و اجرایی شوند تا این امکان برای بانک‌ها فراهم شود که بتوانند برای تأمین دارایی نقدشونده خود از این ابزارها استفاده کنند.

ثبات سیاست‌ها و رویه‌های پولی و بانکی بسیار حائز اهمیت است. این موضوع در بخش ارزی بسیار پررنگتر است. بانک مرکزی این اجازه را همانند بانک‌های بین‌المللی به بانک‌ها بدهد که بتوانند خود مستقیماً ارزهای مازاد مشتریان بازار را در داخل مانند صرفی‌ها حتی با نرخی کمتری خریداری و سپس به فروش برسانند.

انجام توصیه های فوق می تواند در شکل گیری اقتصاد مقاومتی از ابعاد نظام مالی بسیار راه گشا باشد و در آینده ای نه چندان دور سبب تک نرخی شدن ارز، کاهش نرخ سود علی الحساب سپرده ها، کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی، گردش روان منابع بانک ها و ایجاد جایگاه و اعتبار مجدد در سطح بانکداری بین المللی گردد که خود مطمئناً سبب ایجاد بازار برای محصولات، ایجاد سرمایه گذاری های جدید با سرعت بیشتر، شکل گیری اشتغال و افزایش نرخ آن را به همراه خواهد داشت.